

تشیع و قرآن



نویسنده: میخائیل براشر

ترجمه و نقد: علی شریفی^۱

چکیده:

مقاله «تشیع و قرآن» در جلد چهارم دایرة المعارف قرآن لایدن به قلم میخائیل براشر، استاد یهودی دانشگاه اورشلیم نوشته شده است. وی در این مقاله، شیعه را متهم به عدم قبول مصحف عثمانی، اعتقاد به تحریف متن قرآن، داشتن قرآنی خاص خود و... می‌کند. تلاش برای این بوده است که بخش اصلی این مقاله که در آن به رویکرد شیعه به قرآن کریم و اصول و روش‌های تفسیری آن پرداخته شده است ترجمه شده و آرای نویسنده در موارد مختلف مورد بررسی و نقد قرار گیرد. قبل از نقد این مقاله، ابتدا به معرفی اجمالی دایرة المعارف قرآن لایدن، خط مشی کلی آن، بررسی برخی مقالات مهم آن، جمع بندی نظرات مختلف درباره آن و نظر مولف در این زمینه پرداخته شده و تحلیل نویسنده نیز ارائه شده است.

کلید واژگان: قرآن، شیعه، شرق شناسان، لایدن

۱- دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون اسلامی
نشانی الکترونیکی: sharifi@quran.ac.ir

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۱۰

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۸/۳۰



۱- آشنایی اجمالی با دایرةالمعارف قرآن لایدن

نخستین جلد دایرةالمعارف قرآن در سال ۲۰۰۱ میلادی و پس از آن به ترتیب هر سال مجلدات بعدی تا پایان سال ۲۰۰۵ میلادی در حجمی قریب به ۲۸۰۰ صفحه انتشار یافت. ظاهراً چنان که مسؤلان انتشارات بریل در لایدن (هلند) وعده داده‌اند، نمایه‌ای مشروح با عنوان (Index) از تمامی مطالب این ۵ جلد در سال میلادی ۲۰۰۶ میلادی انتشار یافت. سرویراستار این اثر خانم جین دمن مک‌اولیف (Jane Dammen McAuliffe) استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج واشینگتن (آمریکا) است.

مک‌آلیف، دارای درجه کارشناسی از دانشگاه واشنگتن دی سی و کارشناسی ارشد و دکتری از دانشگاه تورنتو است. وی استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه‌های ایمری، آتلانتا و جورجیا (۱۹۹۲-۱۹۸۶) و دانشگاه تورنتو (۲۰۰۰-۱۹۹۲) بود و هم‌اکنون در دانشگاه جورج تاون مشغول تدریس هست.

از آثار وی کتاب «مسیحیان در قرآن» در سال ۱۹۹۱ میلادی توسط انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شده است. وی همچنین کتاب تاریخ طبری را ترجمه کرده است. او در حال تدوین مقالاتی درباره تفاسیر یهودیت، مسیحیت و اسلام است که به وسیله دانشگاه آکسفورد منتشر خواهد شد. مک‌آلیف، تنها آمریکائی شمالی عضو کمیسیون پاپی رابطه ادیان با مسلمانان است. او هر دو کنفرانس آمریکایی و کانادایی اسقف‌های کاتولیک که درباره فعالیت‌های بین‌ادیان بود را پیشنهاد داده بود. چهار تن از قرآن‌پژوهان معروف جهان به عنوان شورای علمی این اثر، مک‌آلیف را همراهی کرده‌اند که عبارتند از: کلود ژیلیو؛ استاد دانشگاه اکس - آن - پروانس فرانسه، ویلیام گراهام؛ استاد دانشگاه هاروارد آمریکا، و داد قاضی؛ استاد دانشگاه شیکاگو آمریکا و اندرو ریپین؛ استاد دانشگاه ویکتوریای کانادا و ۷ تن دیگر (در نقش مشاوران اصلی) وی را کمک داده‌اند که عبارتند از: نصر حامد ابوزید از دانشگاه لیدن هلند، محمد ارکون از دانشگاه سوربن فرانسه، گرهارد باورینگ از دانشگاه ییل آمریکا، جerald هاوتینگ از دانشگاه لندن، فرد لیمهاوس از دانشگاه گرونینگن هلند و انگلیکا نویورت از دانشگاه برلین آلمان.

در این اثر که نخستین دانشنامه کامل قرآن به زبان انگلیسی به‌شمار می‌آید، بیش از دویست تن از محققان مختلف اسلام‌شناسی (از جمله برخی از اساتید مسلمان از کشورهای اسلامی) قریب به ۷۰۰ مقاله کوتاه و بلند در حوزه‌های مختلف مرتبط با قرآن تألیف کرده‌اند. نکته اصلی در این میان آن است که تقریباً تمام این مقالات برای خواننده غربی



و آشنا با ادبیات قرآن پژوهی در غرب نوشته شده است؛ بنابراین برخی از مقالات آن که گزارشی کوتاه از پاره‌های اعلام یا مفاهیم قرآنی را به دست می‌دهند، برای ما مسلمانان به جز ارائه شیوه صحیح مقاله‌نویسی در دایرة‌المعارف، اطلاع مفیدی دربر ندارد. هر یک از مقالات کوتاه یا بلند این دایرة‌المعارف، نوشته یکی از محققان مسلمان یا غیر مسلمان است که در یکی از دانشگاه‌های اروپا، کانادا، آمریکا و نیز برخی از کشورهای اسلامی به تدریس و تحقیق در زمینه مطالعات قرآنی اشتغال دارند.

در جلد نخست از دایرة‌المعارف، مولفان مسلمانی همچون نصر حامد ابوزید مصری، محمد علی امیر معزی ایرانی، محمد ارکون الجزایری، وائل حلاق فلسطینی، مستنصر میرپاکستانی، عبدالعزیز ساشادینا (تانزانیایی) و محسن ذاکری (ایرانی) به تالیف مقاله پرداخته‌اند.

همچنین شماری از قرآن پژوهان معروف غربی مانند هربرت برگ، جان برتون، هربرت بوسه، فردریک دنی، هربرت ایزنشتاین، ریچارد مارتین، هارالد موتسکی، اندرو ریپین، اری روبین و آلفورد ولش تالیف بخش از مقالات جلد نخست این دایرة‌المعارف را برعهده داشتند.

از آنجا که قصد سرویراستار و هیئت ویراستاری این دایرة‌المعارف، تهیه دانشنامه‌ای مرجع و جامع در حوزه مطالعات قرآنی بوده است، اعتنای ایشان به مباحث جدید و قدیم یکسان است. بر این اساس، مدخل‌های این دایرة‌المعارف بر دو گونه‌اند:

گونه نخست که اکثریت مقالات را تشکیل می‌دهند به معرفی شخصیت‌های مهم، مفاهیم، مکان‌ها، ارزش‌ها و حوادث مهمی می‌پردازند که مستقیماً در خود قرآن به آن‌ها اشاره شده است و یا اموری هستند که اهمّیت و ارتباط نزدیکی با قرآن دارند. نمونه آن‌ها مقالات ابراهیم، هارون، علی ابن ابی طالب، کهف، ارتداد، تابوت عهد، عرفات، تدفین، بدر، نسخ و... است. دسته دوم از مقالات این دایرة‌المعارف به مباحث و موضوعات مهم در حوزه مطالعات قرآنی می‌پردازند. چند نمونه از این دست مدخل‌ها عبارتند از: پژوهش‌های قرآنی معاصر، قرآن و رایانه، تقویم و قرآن، هنر و معماری، کنترل موالید، باستان‌شناسی و قرآن، زبان و خط عربی. در این هر دو دسته مقالات، هم اطلاعات و منابع کهن اسلامی و هم تحقیقات، نظریات و متون جدید قرآنی مد نظر بوده است. جلد پنجم و آخرین مجلد از دایرة‌المعارف قرآن (به سرویراستاری جین دمن مک اولیف، چاپ لایدن، انتشارات بریل) در آخرین روزهای سال میلادی ۲۰۰۵ منتشر شد. این جلد

حاوی ۱۲۵ مقاله باقی مانده (از Si تا Z) از دایرة المعارف می شود که در ۵۷۶ صفحه انتشار یافته است می توان مداخل متنوع این دایرة المعارف را در چند گروه جای داد:

- ۱- مفاهیم
- ۲- اعلام (اشخاص، اماکن، وقایع فرق و گروه‌ها)
- ۳- علوم قرآنی
- ۴- تاریخ
- ۵- قرآن و دیگر ادیان
- ۶- قرآن و فرق اسلامی
- ۷- قرآن و علوم و فنون و هنرهای اسلامی

۱- مفاهیم

در این بخش، مداخل بسیار کامل و مفیدی در باب مفاهیم قرآنی آمده است و تنوع، ظرافت و دقت بسیاری در انتخاب مداخل به کار رفته است. مفاهیمی همچون عبد، ذریه، فرضیه، غنیمت، کتاب، دیه، نعمت، برکت، ایمان، عذرا و..... رواج بسیاری از مفاهیم قرآنی در جامعه اسلامی و انس زیاد ما با آن‌ها باعث غفلت ما از اهمیت آن‌ها شده است و تحقیقات معنانشناسانه نویسندگان مقالات و تلاش‌های تحقیقی و تطبیقی آن‌ها مقالات توصیفی کوتاه و بسیار پرمغزی را فراهم آورده است که اطلاع از آن برای همه پژوهشگران قرآنی مفید است.

۲- اعلام

بخش اعلام نیز از تنوع درخوری بهره مند است و همه نام‌های مندرج در کتاب الله (اشخاص، اماکن، ادیان و وقایع) را شامل می‌شود. البته برخی از اعلام مرتبط به قرآن که به صراحت در آن نیامده‌اند نیز در این دایرة المعارف موجودند. مانند علی (ع)، فاطمه (س)، حمزه و... که یا به شأن نزول آیات یا تفاسیر روایی بعدی مربوطند.

۳ و ۴- مداخل علوم قرآنی و تاریخ مطالعات قرآنی

مداخل مربوط به این بخش، مفصل‌ترین مقالات دایرة المعارف را شکل می‌دهند. در ذیل مداخل علوم قرآنی، ماهیت علم مورد بحث، الفاظ و اصطلاحات مربوط به آن، تاریخ پیدایش آن و تطور و تحول آن مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در مدخل تفسیر از توضیح واژگان مربوط به تفسیر، بحث جواز تفسیر، ادوار تفسیر، انواع تفاسیر بحث شده و در مدخل‌های جداگانه دوره‌های گوناگون تفسیری تا زمان معاصر گزارش شده است. در بخش مطالعات قرآنی هم به تاریخ مطالعات قرآنی و ادبیات مربوط به آن در کشورهای اسلامی و



اروپایی پرداخته شده است که حاوی اطلاعات بسیار جدید و ذی‌قیمتی است و آگاهی بر بسیاری از آن‌ها در داخل کشور میسر نیست.

۵- ادیان

دایرة المعارف، حاوی مدخل‌های بسیار مفید و مفصلی در باب قرآن و دیگر ادیان است. ضمن این که در بخش اعلام هم مدخل‌های بسیار جالبی در باب اعلام مربوط به دیگر ادیان و مذاهب آمده است. اطلاعات دقیق تاریخی و تفسیری مربوط به آیین‌های دیگر که در ذیل مداخل مربوط آمده است، آن‌ها را برای محقق مسلمان علوم قرآنی مفید و اطلاع‌بخش کرده است.

۶- قرآن و فرق اسلامی

در دایرة المعارف قرآن، مدخل‌هایی با محوریت فرق گوناگون اسلامی وجود دارد. در این مداخل‌ها، نویسندگان مباحث قرآنی مورد توجه فرقه مربوطه را مورد توجه قرار داده‌اند.

۷- قرآن و علوم و فنون و هنرهای اسلامی

از بخش‌های جذاب و جدید این دایرة المعارف، مقالات مفصلی است که در باب قرآن و علوم و فنون و هنرهای اسلامی نوشته شده است. از جمله این مداخل‌ها می‌توان به فلسفه و قرآن، کلام و قرآن، ادبیات و قرآن، باستان‌شناسی و قرآن، اخلاق و قرآن، خوشنویسی و قرآن و... اشاره کرد.

در انتخاب و نامگذاری مداخل‌های این دایرة المعارف، شیوه‌ای رعایت شده است که در دایرة المعارف اسلام سابقه ندارد. ویراستاران و هیئت علمی این دایرة المعارف در نام‌گذاری مداخل‌ها، بنا را بر انگلیسی بودن واژه گذاشته‌اند و معروف‌ترین اصطلاحات و اسامی اسلامی را بر مبنای تلفظ عربیشان آوانگاری نکرده‌اند بلکه همواره کوشیده‌اند تا حد امکان از معادل‌های انگلیسی و لاتین مداول در متون و ادبیات غربی استفاده کنند. مثلاً به جای نسخ (naskh) از abrogation و به جای تشبیه (Tashbih) از Anthropomorphism و به جای جاهلیت (jaheliyya) از ترکیب Age of Ignorance استفاده کرده‌اند. حتی در مورد اعلام هم، چنین روشی استفاده شده و بر اساس معادل‌های کتاب مقدس برای ابراهیم: Abraham

برای داود: David و... استفاده شده است مگر این که اسم خاصی مانند ذوالکفل معادلی در زبان انگلیسی نداشته باشد که در اینجا Dhul- Kifl را با آوانگاری عربی مدخل قرار داده اند. کوتاهی و بلندی مقالات و به طور کلی، انتخاب برخی مدخل‌های این دایرة المعارف، گاه مایه شگفتی ما است. این به دلیل انتخاب مداخل و نگارش آن‌ها بر اساس فضای خاص مطالعات قرآنی در دانشگاه‌های غربی، علایق و سلیقه ایشان است. فی‌المثل مقالات بسیار کوتاهی به ابوبکر، تابوت عهد و ابولهب اختصاص داده شده است و در عوض مدخل‌هایی مانند رنگ‌ها (Colors)، حیات حیوانات (Animal life)، نان (Bread) و آناتومی در قرآن (Anatomy) با تفصیل فراوانی تالیف شده‌اند. از همین منظر، مدخل‌هایی در این دایرة المعارف می‌یابیم که به هیچ وجه قرآنی نیستند اما به دلیل اهمّیت مذهبی و اجتماعی‌شان مورد توجه دست‌اندرکاران کتاب قرار گرفته‌اند. مثلاً فرقه‌های جدیدالتاسیسی چون بهائیه و احمدیه (قادیانیه) در هند از آن جهت که اعتقادات خاصی درباره متن قرآن دارند، هریک دارای مقاله‌ای در دایرة المعارفند. (کریمی نیا، گلستان قرآن، ۱۹۰)

برخی از مقالات مهم و خواندنی جلد نخست این دایرة المعارف:

۱- جمع و تدوین قرآن (Collection of the Quran) نوشته جان برتن، استاد بازنشسته دانشگاه سنت اندروز (انگلستان). وی در کتابی با همین عنوان که در سال ۱۹۷۷ تالیف کرده است، معتقد به جمع قرآن در زمان حیات خود پیامبر اکرم (ص) است. جان برتن، مقاله مهم دیگری با عنوان نسخ (Abrogation) در همین دایرة المعارف تالیف کرده است.

۲- جهان‌شناسی قرآن (cosmology) نوشته خانم انگلیکا نیورت استاد دانشگاه برلین آلمان. این مقاله، دیدگاه قرآن را درباره انسان، جهان، افلاک، آسمان‌ها و زمین، جن و انس، زمان و مکان معرفی می‌کند؛ اما بخش اعظم و پایانی آن به بررسی داستان خلقت آدم از منظر قرآن، اختصاص دارد و مولف در این بخش آیات ۴۸-۲۶ سوره حجر، ۸۵-۷۱ سوره ص، ۶۵-۶۱ سوره اسراء، ۱۲۳-۱۱۵ سوره طه و... را با یکدیگر مقایسه می‌کند. این آیات، همگی داستان خلقت آدم و حوا، وسوسه‌های شیطان و هبوط آدم و حوا از بهشت را به گونه‌های مختلف بازگو می‌کند.

۳- حیات حیوانات در قرآن (Animal life) نوشته هربرت آیزنشتاین استاد دانشگاه وین اتریش. ۶ سوره قرآن به نام حیوانات است و در بیش از دو‌سوم جای قرآن، اشارتی کوتاه و بلند به وجوه مختلف حیات حیوانات آمده است. این مقاله اهمّیت موضوع حیوانات در

قرآن، وجوه نمادین در ذکر نام برخی از حیوانات و در آخر عناصر اصلی حیوان شناسی از منظر قرآن را بررسی می کند.

از مهم ترین مقالات درج شده در جلد پنجم و آخر این دایرة المعارف می توان به عناوین زیر اشاره کرد:

- ۱- «قرآن و سیره نبوی»، نوشته ویم ریون (Wim Raven)
- ۲- «قرآن و تصوف»، نوشته الگزاندنر نیش (Alexander Knish)
- ۳- «نقد متنی قرآن»، نوشته جیمز بلامی (James Bellamy)
- ۴- «قرآن و دانش کلام»، نوشته تیلمان ناگل (Tilman Nagel)
- ۵- «ابزارهای مطالعه علمی قرآن»، نوشته اندرو ریپین (Rippin Andrew)
- ۶- «تورات از منظر قرآن»، نوشته کامیلا ادنگ (Camilla Adang)
- ۷- «ترجمه قرآن»، نوشته هارتموت بوبتسین (Hartmut Bobzin)
- ۸- «وحدت و یکپارچگی قرآن»، نوشته مستنصر میر (Mustansir Mir)
- ۹- «حجاب در قرآن»، نوشته منی صدیقی (Mona Siddiqui)
- ۱۰- «امر به معروف و نهی از منکر در قرآن»، نوشته مایکل کوک (Michael Cook)
- ۱۱- «آیه و آیات قرآن»، نوشته آنگلیکا نیورت (Angelika Neuwirth)

۲- نظرات مختلف در مورد دایرة المعارف لایدن

دکتر مظفر اقبال، رئیس مرکز اسلام و علم کانادا (The chief of science Center of canada) در مقاله ای با عنوان خاورشناسی و دایرة المعارف قرآن لیدن، ادعای بی طرفی و دقت علمی این دایرة المعارف را مخدوش می سازد و در این باره از نمونه هایی یاد می کند. در ادامه به تحلیل آماری نویسندگان مقالات می پردازد؛ این که از دویست و هفتاد و هشت نویسنده این دایرة المعارف تنها ۲۰٪ مسلمان هستند و تمام نویسندگان از طیف خاصی از مسلمانان و شرق شناسان انتخاب شده اند که معمولاً متن قرآن را بشری می دانند و در پی تفسیر تاریخی آن بر می آیند. همچنین وی در پایان اشکالاتی را در مورد منابع دایرة المعارف مطرح کرده، به عدم اصالت برخی از منابع و انتخاب مدخل ها نیز خرده می گیرد، مانند این که چرا در مورد «الله» مدخل ندارد، اما یک مدخل به ادبیات آفریقا اختصاص یافته است. (مظفر اقبال، ۵).

محمد حسین محمدی نیز که مقاله‌ای در نقد مقاله «جمع قرآن» نوشته «جان برتون» نوشته است به این نکته اشاره می‌کند که نویسنده این مقاله به این نتیجه رسیده است که قرآن تحریف شده و آیاتی از آن حذف شده است. وی برای دیدگاه‌های خود به ادله و روایاتی تمسک کرده است اگر در این روایات (روایات تحریف) دقت شود، سست بودن ادعای جان برتون روشن خواهد شد؛ زیرا تعارضی که در این روایات هست، خود دلیل بر کذب آن هاست. (محمدی،)

ناقد این مقاله به بررسی مهم‌ترین آرای جان برتون درباره جمع قرآن نشسته و آن را نقد کرده و روشن کرده که دلایل و روایات او، دلالتی بر مقصود ندارد، یا ضعیف و مجعول هستند. به اعتقاد نویسنده، جان برتون ادعا دارد که «گزارش‌ها در باب جمع مصحف، بیانگر اختلافی نسبت به اتمام یا نقصان آن است.»

نویسنده در پاسخ به این ادعا آورده است: این ادعا که بعد از پیامبر (ص) جنگ‌هایی صورت گرفت و عده‌ای از حافظان قرآن کشته شدند از نظر تاریخی صحیح و در منابع متعددی نقل شده است. اما نکته قابل دقت این است که نتیجه کشته شدن عده‌ای از حافظان در جنگ یمامه، از بین رفتن سوره‌هایی از قرآن نیست.

محمدی در اقامه دلیل برای مدعایش می‌آورد: زیرا عده دیگری از حافظان قرآن از صحابه و تابعان در آن زمان بودند و این که ادعا شود تا آن زمان سوره‌هایی از قرآن نوشته نشده بود، با تاریخ و روایات منافات دارد؛ زیرا روایات زیادی از شیعه و اهل سنت وارد شده است که تمام قرآن بر روی کاغذ، پوست، استخوان، شاخه‌های درخت خرما و... نوشته شده بود.

به زعم نگارنده، جان برتون از ابی بن کعب، ابوموسی اشعری، عروه بن زبیر و... مطالبی نقل کرده که دال بر تحریف و حذف بسیاری از آیات قرآن است و این روایات که در منابع اهل سنت آمده است، با آیاتی که دلالت بر مصونیت قرآن از تحریف می‌کند، منافات دارد و هرچه مخالف قرآن است، طبق روایات «عرضه» مردود است و علاوه، این روایات با روایات قطعی و متواتر که دلالت بر عدم تحریف قرآن دارد، منافات دارد و اگر در این روایات دقت شود، سست بودن ادعای جان برتون روشن خواهد شد؛ زیرا تعارضی که در این روایات هست، خود دلیل بر کذب آن هاست.

در مقام جمع بندی چنین به نظر می‌رسد که: مقالات دایرة المعارف لایدن را به ۳ دسته می‌توان تقسیم کرد:



- ۱- مقالاتی که توسط برخی از شرق‌شناسان مغرض همچون اری ربین و دیگران نوشته شده است که حدود ۲۰ درصد از حجم کتاب را تشکیل می‌دهند.
 - ۲- مقالاتی که نویسندگان آن فاقد غرض ورزی بوده ولی دارای خطای علمی در ارائه یا نتیجه‌گیری از مطالب هستند که میزان غیر قابل اغمازی را تشکیل می‌دهند
 - ۳- مقالاتی که از لحاظ علمی قابل استفاده محققان می‌باشد.
- یکی از مقالاتی که جزو دسته اول به شمار می‌آیند مقاله تشیع و قرآن است که ذیلا ترجمه و نقدی از آن ارائه می‌شود.

۳- ترجمه مقاله تشیع و قرآن

در حال حاضر، شیعه که با اکثریت اهل سنت در مورد مشروعیت معنوی و سیاسی جانشینی محمد[ص] اختلاف دارد، [حدود] ده درصد از جامعه اسلامی را شامل می‌شود، آن‌ها همانند اهل تسنن از مجموعه‌ای غنی از احادیث در علوم اسلامی مشتعل بر مجموعه‌ها و طبقه بندی‌های حدیثی (سند) همانند تفاسیر قرآنی برخوردارند. همان گونه که برداشت و تصور شیعیان از رهبری مشروع جامعه اسلامی با همتایان سنی آن‌ها متفاوت است، فهم آن‌ها از قرآن نیز متفاوت است. بنابراین، آنچه در پی می‌آید، ابتدا درباره رویکرد شیعه به قرآن، بحث خواهد کرد و سپس مروری بر اصول و روش‌های تفاسیر شیعی و مروری بر برخی از تفاسیر و آثار عمده شیعی خواهد داشت (۱) و (۲)

رویکرد شیعه به قرآن

یکی از ریشه‌های مجادله میان اسلام شیعی و سنی در مورد بی‌عیبی و کمال قرآن است. شیعه، منکر ارزش شرعی مصحف عثمانی قرآن (مدخل جمع قرآن؛ مصاحف قرآن) بوده و در مورد کیفیت تدوین آن، شبهاتی القا می‌کند و مدعی گرایش‌های سیاسی در مورد مدونان یعنی سه خلیفه اول (مدخل خلیف را ببینید)، مخصوصا نفر سوم آن‌ها؛ عثمان بن عفان (۳۵-۳۳۳/۵۶-۶۴۴) است. (۳)

نقد شیعه (عمدتا امامیه) از متن قرآن در قرون اولیه اسلامی بسیار جدی بود (مدخل سیاست‌ها و قرآن؛ نقد متنی قرآن را ببینید). مدونان قرآن، متهم به تحریف متن قرآن هم از طریق حذف برخی عبارات و هم اضافه برخی عبارات دیگر شده بودند (مدخل اصلاح و تحریف را ببینید). به علاوه، این ادعا که قرآن مورد تحریف قرار گرفته بود یکی از مباحث

اساسی است که احادیث متقدم شیعی به آن متوسل شدند تا فقدان هر گونه اشاره صریح و آشکار به شیعه را در قرآن توضیح دهند. (۴)

در تفاسیر قرآنی شیعه، روایات فراوانی وجود دارد که صحابه پیامبر را به تخطی از متن بی عیب و کامل قرآن محکوم می کنند. در یکی از این احادیث که در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ف: ۲۶۰، ۴-۸۷۳) آمده است، بیان شده است که: کسانی که هوا و هوس آن‌ها بر عقل هایشان غلبه کرده است (الذین غلبت اهوائهم عقولهم: یعنی صحابه) معنای صحیح کتاب خدا را تحریف کرده و آن را تغییر دادند (عسکری، تفسیر؛ ۹۵، نگاه کنید: کوهلبرگ، برخی یادداشت‌ها، ۲۱۲ و ۳۷). منبع اصلی چنین احادیثی، کتاب القراءات (که به نام کتاب التنزیل و التحریف نیز شناخته شده است) احمد بن محمد السیاری (اواخر قرن ۹/۳) که نسخه‌ای محشی از آن توسط م. امیر معزی و ا. کوهلبرگ به چاپ رسیده است. (۵) حدیث مشابه دیگری که به هر حال، صحابه پیامبر را به خاطر تحریف، سرزنش نمی کنند در تفسیر قرآن عیاشی دیده می شود (dca. 932/320): اگر کتاب خدا مورد زیادت و نقصان قرار نگیرد، حق ما از لحاظ فضل و دانش پنهان نخواهد ماند (لولا انه زید فی کتاب الله و نقص منه ما خفی حقنا علی ذی حجبی، عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۵) در حدیث مشابهی آمده است: قرآن، حاوی اسامی افراد مختلفی بود اما این اسامی حذف شده است. (کانت فیه اسماء الرجال فالغیت؛ همان، ج ۱، ص ۲۴) عیاشی تلاش نکرده است که این ادعای کلی را با مثال‌هایی از متن که از نظر او مورد تحریف قرار گرفته است اعتبار ببخشد. حدیث دیگری از این دست که غیر عادی به نظر می‌رسد، حدیثی است که گزارش شده است به امام جعفر صادق منسوب است (ف: ۷۶۵/۱۴۸) که در مورد آیه ۷۹ سوره بقره بیان شده است: در راه ترک خانه خلیفه عثمان، عبدالله بن عمر بن العاص، علی را دید (مدخل علی بن ابی طالب را ببینید) و به او گفت: ای علی ما شب را در حالی گذرانیدیم که امیدوار بودیم خداوند این امت را نیرومند سازد. علی به او گفت: می‌دانم شب را چگونه سپری کردید. شما ۹۰۰ حرف از قرآن را تحریف؛ تغییر و تبدیل کردید (حرفتم و غیرتم و بدلتم)؛ ۳۰۰ حرف را تغییر دادید و ۳۰۰ حرف را تبدیل کردید [و سپس علی آیه ۷۹ سوره بقره را اضافه کرد]: وای بر کسانی که کتاب را با دست هایشان می‌نویسند و سپس می‌گویند این از جانب خداست (فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عند الله، همان، ج ۱، ص ۶۶)

بدیهی است عبارات بیان شده دارای ارزش واقعی و معادل اسمی نیستند همانند سه



فعل مختلف که برای توضیح فعالیت کاتبان به کاررفته است (حرف، غیر و بدل) و بیانگر روش‌های جداگانه تحریف نیستند (مدخل تحریف را ببینید).

اظهارات و بیانات متعدد شیعی به ساختار اصلی متن قرآن اشاره می‌کنند قبل از آن که به تحریف منسوب به اهل تسنن اشاره کنند. در حدیثی مشهور که در نوشته‌های اکثر مفسران متقدم امامی دیده می‌شود، امام محمد باقر تصریح می‌کند: قرآن بر چهار بخش نازل شد: یک بخش مربوط به ماست [شیعه] یک بخش مربوط به دشمنان ماست، بخشی مربوط به احکام و مقررات و یک بخش شامل سنن و امثال (سنن و امثال؛ مدخل امثال را ببینید) و بلند مرتبه‌ترین بخش قرآن به ما اشاره می‌کند (و لنا کرائم القرآن، همان، ج ۱، ص ۲۰ و ۲۱) جایی که تقسیم سه بخشی پیشنهاد شده است؛ همچنین منابع ذیل را ببینید که در آن‌ها به تقسیم ۳ یا ۴ بخشی قرآن اشاره شده است: سیاری، قرائات، حدیث شماره ۲؛ فرات، تفسیر، (۱، ۲، کلینی، کافی، ج ۲، ۸-۶۲۷؛ گلدزیهر، Richtungen، ۲۸۸) گزارش‌های دیگری به مفصل بودن قرآن اصلی اشاره می‌کنند. اعتقاد بر این بوده است که قرآن اصلی ۱۷۰۰۰ آیه داشته است (نک: سیاری، قرائات، حدیث شماره ۱۶). (۶) سوره ۳۳ قرآن (احزاب) به عنوان مثالی آورده شده است که در قرآن اصلی ۲ الی ۳ برابر طولانی‌تر از آنچه بود که در نسخه عثمانی آمده است (همان، حدیث شماره ۴۲۱). (۶)

اختلاف میان متن قرآن و دیدگاه شیعه منحصر این گونه نبود که تفسیری صحیح بتواند آن را برطرف کند. این اختلاف ناشی از شکاف میان متن قرآنی ناقص موجود اهل سنت و متن ایده آلی است که طبق عقیده شیعه تاکنون تحت تملک شخصی نبوده است اما در آخر الزمان توسط مهدی [ع] آشکار خواهد شد. (مدخل آخر الزمان را ببینید). (۷) بعدها در ابتدای قرن چهارم/دهم میلادی، به دنبال تغییرات سیاسی و اجتماعی که در مکتب شیعه رخ داد، گرایش به میانه روی آشکار شد و بسیاری از انتقادات و اعتراضات رو به خاموشی نهاد.

علمای امامی شیعی که در میان آن‌ها، محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید (فوت ۱۰۲۲/۴۱۳)، شریف مرتضی (فوت ۱۰۴۴/۴۳۶)، ابوجعفر طوسی (ف: ۱۰۶۷/۴۶۰) یکی از مفسران برجسته شیعه امامیه و ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (ف ۱۱۵۳/۵۴۸) معتقد بودند که گرچه متن کنونی قرآن، ناقص است ولی هیچ گونه تحریفی در آن، صورت نگرفته است. به عبارت دیگر آنچه در مصحف عثمانی موجود است واقعیت ولی همه واقعیت نیست چرا که این کتاب شامل همه وحیی که بر محمد نازل شده بود، نبود.

(مدخل وحی و الهام را ببینید) (در مورد دیدگاه‌های مختلف شیعه امامی در این مورد مراجعه کنید به کوهلبرگ، برخی یادداشت‌ها)

بر خلاف برخی دیدگاه‌های معتدل ارائه شده توسط این‌ها و سایر علمای شیعی، نظریه تحریف قرآن در خلال تاریخ شیعه جاودانه شده است و تاکنون باقیمانده است. علمای برجسته ایران در دوره صفویه از جمله محمدبن مرتضی الکاشانی مشهور به محسن فیض (ف ۱۶۸۰/۱۰۹۱) هاشم بن سلیمان البحرانی (ف ۱۶۹۳/۱۱۰۷ یا ۱۶۹۷/۱۱۰۹) و محمد باقر المجلسی (ف ۱۶۹۹/۱۱۱۰ یا ۱۷۰۵/۱۱۱۱) شبهات در مورد سلامت قرآن از تحریف را بر اساس مناقشات ضد سنی خود طبق احادیثی که در مجموعه حدیث و تفسیر متقدم خود داشتند دوباره احیا کردند (مدخل قرآن و حدیث را ببینید). (۸)

یکی از افراطی‌ترین آثاری که تاکنون در این مورد نوشته شده است کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب به قلم عالم برجسته شیعی حسین تقی نوری الطبرسی (ف ۱۹۰۲/۱۳۲۰) می‌باشد. نوری در این کتاب تعداد زیادی از احادیثی را که به مسئله تحریف قرآن، اشاره دارند، ذکر کرده است.

حدیث تکراری که نوری، بحث خود را در مورد تحریف بر مبنای آن پایه گذاری کرده بود، مقایسه‌ای میان شیعه و یهود را مطرح می‌کند. (نکته‌ای که به خودی خود در ادبیات شیعی مرسوم است): همان گونه که یهودیان و مسیحیان (مدخل یهودیان و یهود؛ مسیحیان و مسیحیت؛ اهل کتاب را ببینید) کتاب پیامبرشان را بعد وی، مورد تغییر و تحریف قرار دادند [sic؛ مدخل پیامبران و پیامبر را ببینید] این امت [یعنی مسلمانان] نیز قرآن را پس از پیامبر (ص) دچار تحریف و تغییر خواهند کرد- چراکه هر اتفاقی که برای فرزندان اسرائیل افتاد برای این امت نیز خواهد افتاد. (ان الیهود و النصرانی غیروا و حرفوا کتاب نبیهم بعده فهذه الامه ایضا لابدوا ان یغیروا القرآن بعد نبینا صلی الله علیه و اهله لانا کل ما وقع فی بنی اسرائیل لابدوا و ان یقع فی هذه الامه؛ نوری، فصل ۳۵؛ برونر، جدل، ۴۳۹، مدخل امت و جامعه در قرآن را ببینید). اگر چه باید به این نکته تاکید شود که دیدگاه‌های افراطی ضد سنی نوری حتی توسط علمای شیعی زمان خود نیز مورد انتقاد قرار گرفته بود. (۹)

با این وجود، مسئله تحریف همیشه به عنوان مسئله‌ای چالش برانگیز میان شیعه و سنی بوده است تا جایی که به سختی می‌توان کتابی جدید در موضوع کلی علوم قرآنی پیدا کرد که نویسنده آن فصلی طولانی را به بحث تحریف اختصاص نداده باشد. (برونر،



جدل، ۴۴۵، مدخل قوانین سنتی مطالعه قرآن)

مهم‌ترین بحث احتمالا، ادعای جعل در قرآن - به عنوان نمونه موضوعاتی که مربوط به شیعه‌اند عمدتاً از قرآن حذف شده است - تنها ادعای مولفان شیعی برای توضیح درباره علت عدم اشاره دقیق به اهل بیت/شیعه در قرآن نیست (مدخل اهل خانه بیت) را ببینید). دو بحث دیگر عبارتند از (۱) قرآن دارای معانی پنهانی است که مفسران باید آن‌ها را کشف کنند (مدخل polysemy را ببینید) و (۲) قرآن، کلیات را آموزش می‌دهد در حالی که حدیث جزئیات آن‌ها را تشریح می‌کند. به عنوان نمونه در جواب [امام] باقر به یکی از پیروانش در مورد علت نبودن اسم علی [ع] در قرآن آمده است:

به آن‌ها بگوئید [یعنی به افرادی که این سؤال را از شما می‌کنند]: خدا به پیامبرش [آیه‌ای درباره نماز نازل کرد و [دقیقاً] ۳ یا ۴ [نماز] مشخص نکرد تا این که این مسئله توسط پیامبر توضیح داده شد. همچنین خداوند [آیات درباره حج را نازل کرد اما ۷ بار طواف دور کعبه را نازل نکرد و معنای آیه ۵۹ سوره نسا نیز همین گونه است... اطیعواالله و اطیعواالرسول و اولی الامر منکم.

این آیه در مورد علی، حسن و حسین نازل شده بود (عیاشی، تفسیر، ج ۱، ۲۷۶، مدخل اطاعت، پادشاهان و حکام را ببینید) مطابق این حدیث، علت این که نام علی و جانشینانش صراحتاً در قرآن ذکر نشده است این است که قرآن بنا به ماهیت و طبیعت خود تنها به خطوط و مباحث کلی پرداخته است و قوانین مذهبی و عمومی را ارائه می‌کند و به جزئیات نمی‌پردازد، امتیازی که برای مفسران محفوظ نگه داشته شده است.

این بحث سه قسمتی به هیچ وجه به معنای سه دیدگاه جداگانه به مشکل که هر کدام مخصص دیگری باشند نیست بلکه این سه دیدگاه با همدیگر نشانگر مشکلی است که مفسران شیعی با آن مواجهند و تلاشی است که آن‌ها برای حل این مشکلات انجام دادند. (۱۰)

اصول و روش‌های تفاسیر شیعی

مفسران شیعی، حتی شاید بیشتر از همتایان سنی خود نظریات مشخص خود را با ارجاع به شواهدی از متن قرآن مورد تأیید قرار می‌دهند (مدخل تفسیر قرآن: دوران کلاسیک و میانه را ببینید). یک تفاوت اساسی این است که مفسران شیعی تلاش می‌کنند تا در قرآن، اشارات صریحی به برخی موضوعات مانند ائمه (مدخل امام را ببینید) کیفیات ماوراء طبیعی و رازآلود و اعتبار آن‌ها در تفسیر قرآن و سایر متون مذهبی یا برخی نظریات شیعی

مانند ولایت و برائت پیدا کنند. اصل اساسی سنت تفسیری شیعه این است که حق تفسیر قرآن برای علی و جانشینان او، ائمه می‌باشد. (۱۱)

در حدیث مشهوری که هم در منابع سنی و هم شیعی آمده است گفته می‌شود که محمد[ص] تصریح کرده است: کسی در میان شماست که برای تفسیر [صحیح] قرآن خواهد جنگید همان گونه که من خودم برای نزول آن جنگیدم و او علی بن ابی طالب است. (ان فیکم من یقاتل علی تاویل القرآن کما قاتلوا علی تنزیله و هو علی بن ابی طالب؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ۲۷؛ شهرستانی، ملل، ۱۸۹؛ و نگاه کنید گیمرت و مونوت، ج ۱، ص ۵۴۳ (شماره ۲۳۱ که منابع بیشتری در آنجا ذکر شده است؛ نیز پوناوالا، تاویل اسماعیلیه، ۱۰ - ۲۰۹) این ایده که علی و (به طور غیر مستقیم) جانشینان او توسط خود پیامبر به عنوان مفسران قرآن معرفی شده‌اند از احادیث دیگر از جمله حدیث معروف ثقلین نیز به دست می‌آید. یعنی دو چیز سنگین که محمد گفته است برای پیروانش به ارث گذاشته است. تفاوت‌های اساسی میان روایات تفسیری سنی و شیعی در مورد ماهیت این دو چیز و تفسیر حدیث وجود دارد. طبق یک قرائت، آن‌ها کتاب خدا (کتاب الله) و سنت پیامبرند (سنة نبیه، ابن اسحاق - غلام، ۶۵۱، مدخل سنت را ببینید). قرائت دیگری از این حدیث که هم در کتب اهل سنت و هم شیعه مضبوط است، از ثقلین به قرآن و اهل بیت پیامبر (مدخل اهل بیت را نگاه کنید) یاد کرده است.

توضیحی که در منابع شیعی در مورد اختلاف بین دو قرائت از این حدیث ارائه شده است این است که زمانی که در تفاسیر سنی، سنت پیامبر به عنوان ابزاری برای تفسیر قرآن در نظر گرفته می‌شود (و بنابراین در پیوستگی با خود کتاب در نظر گرفته می‌شود) در احادیث شیعی، خانواده پیامبر [اهل بیت] همان نقش را بر عهده دارد: تنها به وسیله ائمه، جانشینان پیامبر، معانی ظاهری و باطنی متن قرآن برای مومنان مشخص می‌شود. همچنین ثقلان همیشه به عنوان مجموعه‌ای تنیده در همدیگر مورد نظر بوده است (لن یفارقا) یا به گفته الطوسی (ف. ۴۶۰/۱۰۶۷): این روایت اثبات می‌کند که [قرآن] در هر فصلی وجود داشته است. از آن جایی که صحیح نیست که [محمد] ما را به محافظت از چیزی فراخواند که نمی‌توانیم آن را حفظ کنیم، مثل خانواده پیامبر و آن‌هایی که به ما دستور اطاعت از آن‌ها داده شده است که در تمام ایام حضور دارند (طوسی، تبیان، ج ۱، ۳-۴) فاصله از این [عقیده] تا ایجاد استعاره‌ای که ائمه را به عنوان کتاب ناطق خدا (کتاب الله الناطق) در نظر می‌گیرند در واقع بسیار اندک است (ببینید: بورسی، مشارق، ۱۳۵؛



ایوب، قرآن ناطق، ۱۸۳، شماره ۱۷، پوناوالا، تاویل اسماعیلیه، ۲۰۰) اختیار امام به عنوان مفسر قرآن به جز حدیث الثقلین در بسیاری از روایات تکرار شده است. روایتی، بسیاری از عملکردهای ائمه را توضیح می‌دهد که شامل نقش آن‌ها به عنوان مفسران قرآن می‌شود: می‌دانیم چگونه کتاب [قرآن] را تفسیر کنیم و چگونه به روشنی صحبت کنیم (عرف تاویل الکتاب و فصل الخطاب؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ۲۸)

این حدیث، همانند احادیث متعدد دیگر تنها یک هدف دارد که روشن می‌کند آن‌هایی که صلاحیت تفسیر قرآن را دارند ائمه‌اند و این حق توسط خداوند به آن‌ها امانت داده شده است.

در زمان غیبت ائمه، وظیفه مفسران، محافظت از احادیث ائمه و در دسترس قرار دادن آن‌ها برای مومنان است (مدخل آموزش و تبلیغ قرآن را ببینید) بنابر این مفسران بیش از یک وسیله نیستند و حداقل از لحاظ نظری مجاز به اظهار عقیده شخصی خود نیستند (همان، ج ۱، ۲۷، قمی، تفسیر، ج ۲، ۳۹۷) (۱۲)

میان شیعیان، همانند سایر محافل و گروه‌های مذهبی فعال در حاشیه جامعه، روش‌های تمثیلی، نشانه‌شناختی و اشارات رمزی تبدیل به روش‌های دلخواه تفسیر قرآن شده‌اند، گرچه تنها فرقه‌های مخالف همچون نصیریّه و دروز (مدخل دروز را ببینید) مقداری جلوتر رفته‌اند تا معانی درونی قرآن را به عنوان تنها ماخذ صحیح ببینند. زمانی چنین روش‌هایی در میان نخبگان رایج شده بود، دیدگاهی که بر این اعتقاد بود که این رموز مذهبی باید از عوام پوشیده و مخفی بماند و تنها نخبگان باید از آن مطلع باشند. برخی مواقع چنین وضعیتی از ضرورت‌های موجود جامعه ناشی می‌شد: اقلیت‌های مذهبی و ایدئولوژیک به دلیل افکار عمومی و بی‌دقتی که خوشایند جریان حاکم نبود ممکن بود خودشان را در معرض خطر بدانند. (مدخل ارتداد؛ خدانشناسی و قرآن را ببینید) و در واقع، این واقعیت که بسیاری از فرق شیعی در طول تاریخ تحت حاکمیت اهل سنت رشد کردند، ایجاب می‌کرد که استفاده از فنون نجات بخشی هم در زندگی روزمره و هم هنگام نوشتن نظریات خویش استفاده کنند. (۱۳)

دانشمندان شیعی باید در محدوده باریکی حرکت می‌کردند: از سویی، علاقه مند بودند عباراتی بیان کنند که مطابق امیال درونی آن‌ها بود و از سوی دیگر باید مطمئن می‌شدند که بیان چنین عباراتی، خشم مخالفان سنی آن‌ها را برنینگیزد. این یکی از روشن‌ترین مظاهر نظریّه، تقیه پیشگیرانه بود.

۵- نقد و بررسی

۱- آشنایی غربیان با شیعیان به دوران جنگ‌های صلیبی در قرون وسطی باز می‌گردد. باز شدن باب روابط تجاری و سیاسی دول اروپایی با ایران در عهد صفویه، زمینه مسافرت جهانگردانی نظیر پیر رافایل دومانس و ژان شاردن به کشور ما را فراهم آورد و بدین طریق مواردی از آرا و عقاید، آداب و عادات، شعائر و مراسم، گرایش‌ها و تمایلات شیعیان ایران و رهبران آن‌ها مورد مشاهده و گزارش گری آنان قرار گرفت.

مطالعات دانشگاهی در زمینه شیعه‌شناسی در اروپا با تاسیس کرسی زبان عربی در دانشگاه‌های آکسفورد (انگلیس) و لایدن (هلند) در نیمه اول قرن هفدهم آغاز گردید که در آن استادی به نام پوک با بهره‌گیری از منابع اهل سنت به معرفی مذهب تشیع پرداخت و استاد دیگری به نام جولوس، پاره‌ای از کلمات قصار و خطب حضرت علی (ع) را ترجمه نمود. این مطالعات اگر چه به طور پراکنده در قرن بعد نیز ادامه یافت ولی هنگامی به اوج خود رسید که منافع کشورهای استعماری غرب در خاورمیانه و سرزمین‌های اسلامی ایجاب نمود تا برای شناخت هر چه دقیق‌تر این جوامع، مطالعات روشمند و مستمری را در زمینه اسلام و مذاهب اسلامی صورت دهند.

در عصر حاضر، گلدزیهر یهودی مجاری (ف. ۱۹۲۱) به عنوان پدر اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی آکادمیک مغرب زمین شناخته می‌شود. وی اهل مجارستان و استاد دانشگاه بوداپست بود و هنگام تحصیل دوره دکتری در دانشگاه لایپزیک (آلمان) زبان‌های عربی، فارسی و ترکی را فراگرفت. او اگر چه در مسافرت تحقیقی اش به سوریه، منابعی از کتب کلامی و فقهی شیعیان امامی را تهیه نمود ولی در عین حال، قضاوت وی درباره شیعه و تشیع همچنان از منابع اهل تسنن متأثر است. سه کتاب عمده وی در زمینه اسلام‌شناسی با عناوین مطالعات اسلامی، مقدمه‌ای بر کلام و حقوق اسلامی و مذاهب تفسیر اسلامی از جمله منابع کلاسیک مهم اسلام‌شناسان اروپایی محسوب می‌شوند.

پس از وی مطالعات اسلام‌شناسی - شیعه‌شناسی در اروپا و آمریکا گسترش یافت و دپارتمان‌های شرق‌شناسی، الهیات، ادیان، تاریخ و باستان‌شناسی به طور متمرکز و غیر متمرکز، ابعاد مختلف اسلام و حیات مسلمانان را مورد تحقیق و تفحص قرار دادند. در این راستا، لویی ماسینیون و هانری کربن در سورین فرانسه و ردولف استروتمان و دونالدسن در آلمان، پژوهش‌های متمرکزی را در زمینه‌های فرقه‌های شیعی و از جمله مذهب امامیه سامان دادند. ولی بدون تردید این انقلاب اسلامی در ایران بود که مطالعات شیعی را در



کانون پژوهش‌های شرق‌شناسان قرار داد و بدان وسعت و غنا بخشید. بررسی سایت‌های اینترنتی دانشگاه‌های معتبر دنیا به وضوح، گویای این واقعیت است که امروزه مطالعات شیعه‌شناسی تقریباً در همه کشورها رواج دارد، اگر چه از نظر کمیت و کیفیت برنامه‌ها متفاوت است. در این میان، مرکز مطالعات اسلامی آکسفورد، بخش مطالعات اسلامی دانشگاه بیرمنگام، بخش مطالعات فقه اسلامی (در مدرسه حقوق) دانشگاه هاروارد، بخش مطالعات اسلامی دانشگاه توکیو و مرکز مطالعات خاورمیانه و افریقای موشه دایان در دانشگاه تل‌آویو که همگی در گذشته ایجاد و یا توسعه یافته‌اند از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشند. (تقی زاده داوری، ۱۲-۱۱)

۲- به‌تازگی دانشنامه آنلاین «Wikipedia» آمار جالبی از جمعیت شیعیان و مسلمانان در ۶۷ کشور جهان را منتشر کرده است. منبع اصلی این آمار که بنا بر آخرین اطلاعات از ۹۲ درصد جمعیت مسلمان جهان در سال ۲۰۰۵ درج شده، اطلاعات کلی سازمان جاسوسی آمریکا (CIA) است. هرچند به نظر می‌رسد تمام موارد آن دقیق نیست. در این آمار، تنها به کشورهای اشاره شده که دست‌کم یک درصد جمعیت آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند و «Wikipedia» نیز تأکید کرده که احتمالاً جمعیت شیعیان و مسلمانان بیش از این میزان است. بنابراین آمار، بیش از یک میلیارد و ۴۵۳ میلیون نفر مسلمان در کشورهای یادشده سکونت دارند که از این میان، بیش از ۲۰۶ میلیون تن آنان، شیعه و از پیروان مکتب اهل بیت (ع) هستند.

پنج کشوری که بیشترین تعداد جمعیت شیعه را در خود جای داده‌اند، به ترتیب ایران، پاکستان، هند، عراق و ترکیه هستند.

همچنین ایران، آذربایجان، بحرین و عراق به ترتیب، با ۹۰، ۸۰، ۷۰ و ۶۵ درصد دارای اکثریت قاطع شیعه هستند. کل جمعیت شیعیان نیز حدود ۲۰۶ میلیون نفر برآورد شده است که حدود ۱۴ درصد از کل مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند. بنابر این آمار ارائه شده در مقاله چندان متقن به نظر نمی‌رسد.

۳- این که گفته شده است شیعه منکر ارزش مصحف عثمانی است، صحیح نیست چرا که اولاً برخی علمای شیعه قائل به جمع قرآن در زمان خود پیامبر بوده‌اند و کار عثمان را در حد توحید مصاحف تلقی کرده‌اند که باعث شده است مسلمین بر قرائت واحدی از قرآن جمع شوند و این اقدام عثمان نیز مورد انتقاد هیچ یک از مسلمانان واقع نشد. به عنوان نمونه، مولف کتاب‌البيان ابتدا با بررسی کلیه احادیثی که در آن‌ها، جمع‌کنندگان قرآن

هریک از خلفای ثلاثه ذکر شده، همه این روایات را مردود شمرده است. ایشان در جمع بندی می‌فرمایند: «نسبت دادن جمع آوری قرآن به خلفا و دوران بعد از پیامبر امری است موهوم و پنداری است غلط و بی اساس که با قرآن، سنت، اجماع و عقل مخالف می‌باشد و طرفدارن تحریف نمی‌توانند از این راه، نظریه غلط و بی اساس خویش را ثابت کنند بلکه جمع قرآن در دوران خود پیامبر و به دستور و نظارت وی انجام گرفته است... جای تردید و شک نیست که عثمان در دوران خویش قرآن را جمع آوری کرده است، ولی نه بدان معنی که سوره‌ها و آیات قرآن را در یک مصحف تدوین کند و از پراکندگی به صورت مجموعه واحد در بیاورد بلکه بدین معنی که او تمام مسلمانان را در قرائت یک قاری مخصوص، جمع و متحد نمود... آری این اقدام عثمان شایسته بود و لذا مورد انتقاد هیچ یک از مسلمانان واقع نشد...» (البیان، ترجمه هریسی و نجمی، ۴۰۸ - ۴۰۷)

۴- نظریه مشهور در میان دانشمندان و محققان شیعی از جمله شیخ صدوق یا شیخ طوسی، طبرسی، کاشف الغطا و... عدم تحریف قرآن است بلکه این نظریه مورد اتفاق در میان آنان می‌باشد تنها عده معدودی از علمای اهل سنت نظریه وقوع تحریف را پذیرفته‌اند (همان، ۳۱۱ - ۳۱۰)

۵- اولاً: باید گفت که اصالت تفسیر و انتساب آن به امام حسن عسکری (ع) در بین محققان شیعی بسیار مورد مناقشه قرار گرفته است و اعتبار آن مورد سؤال است. ثانیاً: تحریف در این روایت به معنی حذف برخی آیات قرآن و تغییر کلمات برخی از آن نیست بلکه مقصود، تغییر مفهوم اصلی و تصرف در تفسیر آن می‌باشد یعنی قرآن را بر خلاف معنای واقعی آن تفسیر کنند و دلالت بر تحریف معنوی قرآن دارد.

۶- در مورد روایت منقول از امام محمدباقر (ع) باید در وهله اول به این امر توجه کرد که روایت در این جا در مقام تطبیق است و لا غیر. در مورد روایاتی که دلالت بر ذکر اسامی ائمه در قرآن می‌کند باید گفت این روایات با دلایل مستند به کتاب و احادیث دیگر مردودند و یا باید آن‌ها را به گونه‌ای معنا کنیم که بر تحریف قرآن دلالت نکنند. یکی از روایت‌هایی که به صراحت بر نیامدن اسم علی (ع) و امامان معصوم دلالت دارد روایت صحیح ابوبصیر است که شیخ کلینی در اصول کافی آن را نقل کرده است. ابوبصیر می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره آیه ۵۹ سوره نسا پرسیدم. فرمود: درباره حضرت علی (ع)، حسن و حسین (ع) نازل شده است. گفتم مردم می‌پرسند چرا نام علی و اهل بیتش در کتاب خدا نام برده نشده است؟ فرمود: در پاسخ آن‌ها بگویید: بر پیامبر خدا (ص) آیه نازل شد



و خدا در آن چهار رکعت و سه رکعت را نام نبرد تا این که رسول خدا آن را شرح داد...» (کافی، ۲۸۶/۱)

اگر بخواهیم نگاهی کلی به روایات شیعی دال بر تحریف قرآن داشته باشیم می‌توانیم آن‌ها را به شش گروه عمده تقسیم کنیم:

(۱) احادیثی درباره مصحف امام علی (ع)

(۲) احادیثی که در آن‌ها تعبیر «تحریف قرآن» به کار رفته است

(۳) قرائات منسوب به برخی از ائمه اطهار (ع)

(۴) روایات فساطیط (خیمه‌ها)

(۵) احادیثی که می‌گویند نام برخی از ائمه در قرآن بوده است (که قبلاً ذکر شد)

(۶) روایاتی که دلالت بر تحریف به نقیصه می‌کنند.

بررسی دقیق این اخبار چند نکته را به اثبات می‌رساند:

۱. این اخبار از نظر سند جزو اخبار آحاد به شمار می‌آیند.

۲. بیشتر این احادیث، مرسل و مجعول و راویانشان از نظر دانشمندان رجال شناس،

ضعیف و یا مجهول قلمداد شده‌اند چه این که اگر سندهای این اخبار را با یکدیگر مقایسه کنیم، روشن می‌شود که روایات مرسل بخشی از همان روایات مسندند نه مستقل از آن‌ها.

۳. منابع و مصادر این احادیث نیز در عرف محققان جای چون و چرای فراوان دارد.

۴. از بررسی تعدد طرق، اتصال و انفصال سند و منابع و مصادر این نوع احادیث که

بگذریم نوبت به بررسی محتوا و مضامین آن‌ها می‌رسد. با دقت در محتوای این احادیث

با توجه به شواهد و قرائن درونی و بیرونی به بیگانگی آن‌ها با مسأله تحریف قرآن (به

معنای نقص در متن آیات الهی) پی می‌بریم. اکثر قریب به اتفاق این احادیث درباره مطالب

تفسیری، ذکر مصادیق، بیان شان نزول، وحی غیر قرآنی، قرائات، تحریف معنایی و اختلاف

در تالیف آیات است.

دلیل صحت ادعاهای فوق درباره سندها و محتوای احادیث فوق را با نگاهی به کتاب

فصل الخطاب محدث نوری در می‌یابیم. وی حجم انبوهی از این روایات را از منابع فریقین

یک جا گردآورده است از جمله ۳۵۰ حدیث از کتاب القرائات احمد بن محمد السیاری

است. این کتاب نزد امامیه اعتباری ندارد و مولف آن از نظر فریقین تضعیف شده است.

تعداد ۱۲۹ حدیث از کتاب پراج تفسیر مجمع البیان است و تمامی آن‌ها از نظر سند

مرسل‌اند و محتوای آن‌ها درباره قرائات است. خود مولف مجمع نیز آن‌ها را در بخش

قرائات آورده است و در مقدمه تفسیرش نیز به باور راسخ خود بر سلامت قرآن از تحریف تصریح می‌کند. تعداد ۸۳ حدیث نیز از کتاب الکافی است و مرحوم کلینی آن‌ها را در باب «النکت و النتف» آورده است. از این تعداد تنها ۸ حدیث صحیح یا موثق است و در دلالت بر تحریف به معنای مورد نزاع، ناقص است. بقیه احادیث فصل الخطاب نیز به همین صورت است. در این زمینه اگر به کتاب القرآن الکریم و روایات المدرستین جلد سوم نگاشته علامه سید مرتضی عسگری که تک تک سندهای این احادیث را بررسی کرده است نظری بیفکنیم خواهیم دید که احادیث صحیح از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. (نجارزادگان، ۵۷-۵۴)

۷. مصحف امام علی (ع) قرآنی بود که آن حضرت پس از وفات رسول خدا به جمع و تدوین آن همت گماشتند و طبق مدارک فریقین، اصل وجود چنین مصحفی ثابت است. اما نکته مهم در این میان آن است که این مصحف حاوی آیه یا آیاتی افزون بر قرآن فعلی نبوده است و تفاوت آن با قرآن فعلی فقط در جمع آن به ترتیب نزول و نیز طبق عقیده برخی از بزرگان مانند شیخ صدوق، آن چه در آن مصحف بیش از مصحف موجود وجود داشته است از جنس احادیث قدسی بوده است. گروهی دیگر که غالب بوده‌اند این اختلاف را از حیث تاویل و تنزیل می‌شناسند (همان، ۶۵-۵۷)

۸. این امر در میان دانشمندان مسلم است که صرف نقل روایتی در کتب حدیث که می‌تواند به دلایل گوناگون صورت گرفته باشد نمی‌تواند به هیچ وجه حاکی از اعتقاد صاحب آن کتاب بر صحت متن آن باشد.

۹. اولاً صحت انتساب کتاب فصل الخطاب به نوری محل بحث بوده است. ثانیاً: یکی از ۱۲ دلیلی که محدث نوری برای اثبات مدعای خود مبنی بر وقوع تحریف در قرآن آورده است قیاسی است که میان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان کرده است که چون آن‌ها کتاب پیامبرانشان را تحریف کردند پس مسلمانان نیز چنین کاری را انجام خواهند داد چرا که طبق روایات فریقین هر چه بنی اسرائیل انجام دهند این امت نیز همان کار را خواهند کرد. در جواب باید گفت:

اولاً، اگر این دلیل درست باشد باید این امت در قرآن نیز چیزهای زیادی افزوده باشند همان طور که یهودیان و مسیحیان در تورات و انجیل مطالب زیادی افزوده‌اند و این حتی برای خود محدث نوری نیز پذیرفتنی نیست و وی تحریف به زیادی را در قرآن منتفی می‌داند



ثانیا، اّمّت‌ها در همه وقایع شبیه هم نیستند. چه بسا در اّمّت‌های پیشین حوادثی اتفاق بیفتد که اّمّت اسلام سابقه نداشته باشد مانند گوساله پرستی بنی اسرائیل و...
ثالثا، اگر این تشابه از هر جهت باشد و به تمام وقایع اّمّت‌ها مربوط باشد ادله سلامت قرآن از تحریف براین کلیت استثنا می‌زند. (همان، ۱۴۸ - ۱۴۷)

۱۰- بحث بطن و بیان کلیات و نیاز به سنّت مخصوص شیعه نیست و ذهبی در التفسیر و المفسرون ادعای اجماع در مورد بطن می‌کند. (رک: منطق تفسیر ۱، رضایی اصفهانی)
۱۱. شیعه به هیچ وجه تفسیر قرآن را فقط مختص ائمه نمی‌داند و هر فردی که شرایط تفسیر را داشته باشد گرچه در زمره ائمه نباشد می‌تواند قرآن را تفسیر کند. تنها در مورد تاویل برخی از آیات، شیعه قائل به اختصاص این امر به معصومان می‌باشد.
۱۲. این امر که مفسران تنها نگهبانان احادیث تفسیری ائمه‌اند و خود صلاحیت اظهار نظر ندارند نزد هیچ کدام از فریقین پذیرفته شده نیست و مشخص نیست که مولف از کجا و با چه دلیلی، چنین مطلب سست و بی پایه‌ای ذکر کرده است.
۱۳. دروزی‌ها فرقه کوچکی از شیعیان اسماعیلی هستند که بیشتر در لبنان و سوریه زندگی می‌کنند.

این که مولف امامیه را که طیف وسیعی از شیعه را شامل می‌شوند و روش‌های تفسیری گوناگون عقلی و نقلی دارند به کناری گذاشته و بر طوایف کوچکی که آداب و عقاید و روش‌های خاصی دارند تمرکز نموده جای تأمل است. همچنین نباید از این نکته به سادگی گذشت که در مباحث روش‌های تفسیری ما بر این امر تاکید شده است که ما روش‌های رمزی و تاویلی دلخواه را ذوقی و سلبه‌ای و همسان با تفسیر برای می‌دانیم.
البته باید اعان داشت مقاله دارای اشکالات متعدد دیگری نیز بود که به دلیل اجتناب از تطویل از ذکر آن‌ها صرف نظر شد.

منابع

۱. اقبال، مظفر، مجله قرآن پژوهی شرق شناسان، شماره ۶
۲. تقی زاده داوری، محمود، تصویر شیعه در دائرة المعارف آمریکانا، تهران، نشر بین الملل، ۱۳۸۲
۳. خوئی، ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمد صادق نجمی و هاشم هاشم زاده هریسی، خوی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۳
۵. کریمی نیا، مرتضی، بولتن مرجع مطالعات قرآنی در غرب، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۰
۶. کریمی نیا، مرتضی، گلستان قرآن، شماره ۱۹۰
۷. نرم افزار جامع تفاسیر نور
۸. نجارزادگان، فتح الله، تحریف ناپذیری قرآن، قم، انتشارات مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۹- رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱)، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷
10. Meir M. Bar- Asher (2004) , Shīsm and the Qur_ān ,EQ,vol4. 593- 607

